

رویکرد انتقادی به تکامل معنوی انسان از دیدگاه دیپاک چوپرا بر اساس آراء ملاصدرا

چکیده محتوایی

بیان مدعا (حجت الاسلام دکتر اسلامی نسب): با توجه به سوال اصلی که چه نقدهایی بر آراء چوپرا در مساله تکامل معنوی بر اساس دیدگاه های ملاصدرا وجود دارد به نتایج ذیل دست یافتیم. در هر کدام از مولفه های تکامل معنوی مانند معنای تکامل، غایت و هدف، راه و ابزار و موانع میان صدرا و چوپرا نقاط اشتراک و افتراق متعددی وجود دارد. معنای تکامل از نگاه چوپرا بسیار سطحی بوده و قابل مقایسه به تکامل معنوی از نگاه صدرا که منجر به تقرب به خدای متعال و فنای در او می شود نیست. در مساله غایت و هدف تکامل نیز ملاصدرا هدف نهایی و غایی آفرینش انسان را وصول به مقام یقین و شهود خدای متعال می داند و بیان می کند بالاترین ارزش و کمال برای آفرینش انسان علم به معارف الهی و شهود جمال خدای متعال است. چوپرا نیز غایت تکامل معنوی را نزدیکی ذهن به روح می داند. لکن اگرچه با تسامح بتوان گفت غایت و هدف تکامل از نگاه چوپرا وصول به خداست لکن هدف عمده او آرامش درونی است. در بخش راه ها و ابزارها نیز از خداشناسی، عشق و استاد معنوی می توان به نقاط اشتراک اشاره کرد لکن در همین نقاط اشتراک نیز تفاوت ماهوی با همدیگر دارند چرا که استاد معنوی از نگاه چوپرا افرادی مثل کیمیاگر و جادوگر هستند نه رسولان الهی لکن استاد معنوی از نگاه صدرا حقیقت محمدیه و انبیا و ائمه و اولیای الهی هستند که متصل به خدای متعال می باشند. در بخش موانع نیز از نداشتن استاد و دنیادوستی و نفس گرایی می توان به نقاط اشتراک اشاره کرد.

ناقد اول (حجت الاسلام دکتر محمدمهدی گرجیان عربی): بسیاری از بزرگانی که در این عرصه کار می کنند عمدتاً توصیف گرا هستند تا اینکه نقاد باشند، که این کفایت کار را نمیکند، در این مقاله مشاهده می کنیم که تلاش شده از حالت توصیفی خارج شده و به حالت نقد برود؛ خیلی از اموری که معنویت های نوپدید را کار می کنند از عاداتشان این است که یا به شکل فطری همه میپذیرند یا به نحو تحصیلی به آن رسیده اند و طوری است که کسی نتواند بگوید این مورد قبول نیست مثل تاثیر گذاری عشق یا خلاق بودن انسان و...؛ خالقیت که مطرح شده، در عبارات صدرا بسیار ارزشمند هست، اما چوپرا وقتی بحث خالقیت نفس را مطرح می کند، در درجه اول باید چیستی معنویت از منظر ایشان بررسی شود؛ نکته دیگر بحث استفاده از الفاظ هست، به عنوان مثال بحث وحدت، ما وحدت می گوئیم و آنها هم وحدت می گویند، وحدت چی؟ یک زمانی میگوئید وحدت قوا که به اجتماع برسند و کسی که به اینجا برسد می تواند کارهای خارق العاده بکند. آیا هرکسی که کار خارق العاده بکند پس رتبه معنوی بالایی دارد که جواب خیر است، مهم سعه و قدرت وجودی و استفاده از بخشی از قوای نفسانی هست. مثلاً در قوه حیوانی اگر یک انسانی بتواند قدرتمند شود باید بتواند در قوه حیوانی مادونی خودش تاثیر گزار باشد؛ شما گفتید وحدت، کدام وحدت منظورتان است؟ این بایستی مشخص شود، وحدت احدی، وحدت واحدی، اصلاً ایشان واحدی را متوجه هست تا به احدی برسد؟ آیا ایشان واقعا این را می خواهد بگوید؟؛ استفاده از الفاظ مشترک بسیار بسیار رهنمی دارد و یک مغالطه خیانت باری خواهد بود و عمده نویسندگان در این عرصه قدم میگذارند؛ در مقاله در دو جا دو پاراگراف عیناً آمده است که بهتر است یکی از آنها حذف و به جای آن به پاراگراف قبلی آدرس داده شود، یا اینکه مفاد آن را بیاورید بدون آنکه لفظ را دوباره بیاورید.؛ عنوان یوگا در حال حاضر یک عنوان پرطمطراقی شده است، اگر واقعا حقیقت خود یوگا برای مردم تبیین شود که قبلاً چی بوده است، آنقدر تنفر نسبت به آن ایجاد می شود که کسی اصلاً رغبت نمیکند که سمت یوگا برود؛ حتماً بایستی راجع به یوگای قدیم هم صحبت کرد و به آن رفرنس داد تا یوگای قدیم تبیین شود و مخاطب متوجه شود که یوگا چه بوده است که ایشان مکتب خود را بر پایه آن بنا نموده است؛ مهم ترین بحثی که مطرح شده بحث نفس گرایی هست که به نظر پایه اینها به اومانسیسم می رسد که اومانسیسم فردی است و مهم همینجا هست و به عبارتی اتاق فرماندهی را از عرش به فرش (از عالم بالا به عالم مادون) کشاندن است، این قاموس مشترک عرفان های نوظهور یا معنویات نوپدید هست و در اینها انسان حداقلی را به جای انسان حداکثری جا زدن هست.

ناقد دوم (حجت الاسلام دکتر رضا آذریان): طرح جناب چوپرا با عنوان طب روحانی یا شفای کوانتومی (ایشان فیزیکیان بودند و تلاش کردند که بین این دو علم یک امتزاج ایجاد کنند تا بتوانند اهداف خودشان را دنبال کنند) اول این باید مورد نقد قرار بگیرد 1- نقد مبنایی و 2- نقد بنایی مد نظر قرار گیرد؛ انتظار این بود که شما در موارد بنایی به آثاری که در این عرصه کار شده اشاراتی داشته باشید که حداقل فرد با پیشینه این بحث آشنا باشد؛ منتقدین ایشان افراد خدا ناباور هستند و تجربه گرا هستند و در این عرصه کار می کنند؛ در همان عرصه تجربه گرایی مثلاً رابرت کارول آمده و ایشان را نقد کرده است. ایشان در میان خدا ناباوران هم ناقدانی دارد. دقت بیشتری بایستی در آثار چوپرا شود چرا که ایشان در چه حوزه ای مباحثش را مطرح کرده است؛ ادعای ایشان چیست؟، آیا او مادی گراست؟، یا نه الهی هست و اگر الهی هست واقعا الهی هست یا شعار الهی می دهد؟؛ جایزه نوبل با جایزه ایگ نوبل متفاوت هست که ایشان جایزه ایگ نوبل گرفته اند؛ آیا ایشان را اصلاً می توان در اندازه یک عرفان نوظهور دید؟؛ در نگاه چوپرا مراد از کیمیاگر کیست؟ یعنی مفهوم کیمیاگر را در نگاه چوپرا تبیین کنید؛ طرح جایگزین برای طرح چوپرا در زندگی چیست که بایستی تبیین شود و خوب بود که این طرح جایگزین مطرح می شد.